

کارگران جهان متحد شوید!



# سنگین

تیر ۱۳۹۱ /// شماره ۶۶

ارگان کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

در این شماره ...

\* حمله اوباشان رژیم به شهروندان ستمدیده افغانی در شهر یزد را قویاً محکوم می کنیم ..... ص ۲

\* مقابله با گسترش سرکوبها نیاز به تشدید مبارزه هوشیاری و سازمانیابی دارد ..... ص ۳

\* از برکت رژیم جمهوری اسلامی سن تن فروشی به زیر ۱۲ سال کاهش یافته ..... ص ۴

\* نشست مشترک احزاب سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست ..... ص ۵

\* لنین و مبارزه با دین پس از انقلاب اکتبر ..... ص ۶

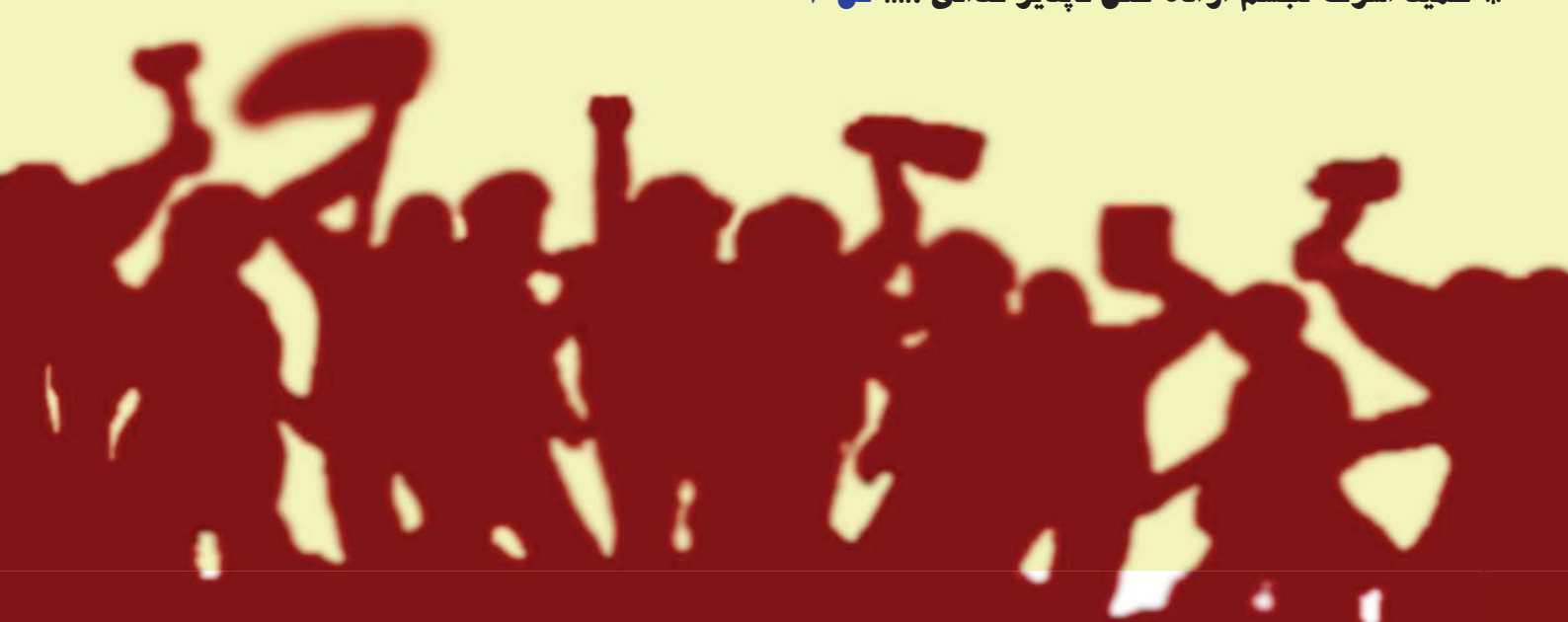
\* حمید اشرف تجسم اراده خلل ناپذیر فدائی! .... ص ۱۰

ای پرچم دار ستم کشان

دشمن را در خاک و خون نشان

پیروزی تو مسجل است

تا در دست تو مسلسل است



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

## حمله اوباشان رژیم به شهروندان ستمدیده افغانی در شهر یزد را قویاً محکوم می کنیم



بررداری کند. خشم شهروندان یزدی و خانواده مقتول باید بدرستی متوجه رژیم اسلامی باشد که مروج تجاوز و خشونت و جنایت بوده و بشکل سیستماتیک در طول حیات ننگین و خونریزش این پدیده را نهادینه کرده است. و این فضای وحشت بار و خوف آوری که بر شهروندان افغانی تحمیل کرده است، برگی دیگر بر پرونده ضخیم آدمکشی و خونریزی می افزاید.

مهاجر ستیزی رژیم اسلامی بخشی از سیاستهای همیشگی سرکوب و بگیر و ببندهایش در قبال طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی بوده است. دمیدن در شیپور ناسیونالیسم و رفتارهای راسیستی در راستای اعمال این سیاستهای فاشستی و ضد انسانی تلاشی رقت انگیز است. سازمان اتحاد فداییان کمونیست این سرکوب وحشیانه رژیم و عوامل اوباشش در قبال مهاجرین افغانی را بشدت محکوم کرده و تمامی انسانهای آزادیخواه و مبارز، بویژه طبقه کارگر را فرا میخواند که در مقابل این بربریت عریان سکوت نکرده و به دفاع از این شهروندان ستمدیده و هم طبقه ای هایشان برخاسته و کارگران و زحمتکشان افغان را در مقابل این وحشیگریهای و سیاستهای ضد انسانی تنها نگذارند.

**برقرار باد همبستگی  
کارگران و زحمتکشان  
علیه رژیم جنایتکار  
اسلامی ایران**

**اتحاد فداییان کمونیست  
10 تیرماه 1991**

چندین میلیون افغانی در ایران تحت بدترین شرایط کاری و معیشتی استثمار میشوند و بسیاری از آنان در اصفهان و یزد و فارس، کارگران کشاورزی هستند که نه امنیت شغلی و حقوقی دارند و نه امنیت جانی. افزایش بیکاری، فساد، بزهکاری، دزدی، اعتیاد و جنایت که حاصل طبیعی این سیستم طبقاتی و رژیم منحط و جنایتکارش است، توسط دم و دستگاههای قضایی، فرهنگی و تبلیغی رژیم به حضور میلیونها شهروند افغان در ایران نسبت داده میشود. و سالیانه این مهاجرین به بدترین شیوه ای تحقیر و مورد ستم قرار گرفته اند و بارها اموال آنان غارت شده و خودشان را لت پار و یا روانه مرزهایشان کرده اند.

جامعه ایران به برکت رژیم فاسد و قاتل اسلامی اش، صفحه حوادث روزنامه هایش مملو از قتل و جنایت و دزدی و خشونت عریان است. باندهای مافیایی که مشغول خرید و فروش مواد مخدر و گرفتار کردن جوانان و به فحشاء کشیدن زنان و کودکانند، سر نخ آنان به خود مقامات بلند پایه دستگاه حکومت اسلامی میرسد، و اخبار دستگیریهایی و محکوم شدن ها که هیچ ارتباطی به افغانها هم نداشته، فراوان است. انتساب این حمله ها به مردم عادی یکی از شرم آورترین فریبکاریهای رژیم است و آماده سازی فضای مسموم ضد مهاجرین و در راستای توجیه مصوبه اخیرش است که بر طبق آن مهاجرین افغانی حق کار و اقامت در بیست استان کشور را ندارند.

در یک سیستم متعارف دموکراتیک، همه در مقابل قانون بیگناه هستند مگر اینکه در یک دادگاه صالح، با برخورداری از تمام حقوق قانونی و دسترسی به وکیل مدافع اتهامشان ثابت شود. و اگر مجرم شناخته شوند خود فرد در مقابل قانون مسئول است و به این معنا جرم شخصی است. نه میتوان خانواده او را گروگان گرفت و نه بر مبنای ملیتش، هموطن های دیگرش را موضوع انیت و آزار سیستماتیک قرار داد.

در ارتباط با این قتل، ناراحتی و خشم خانواده مقتول کاملاً قابل درک است. ولی نباید اجازه داد که رژیم با فریبکاری از آن در خدمت اعتقادات راسیستی و ضد کارگری اش بهره

هفته پیش بدنبال تجاوز به یک دختر هیجده ساله و به قتل رساندن او، ارادل و اوباش حزب اللهی با حمایت قوای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی به خانه های پناهجویان و شهروندان افغانی ساکن یزد حمله برده و خانه و اموال آنان را به آتش کشیده که در نتیجه این وحشیگری بسیاری از افغانیها بویژه کودکان بشدت سوخته و در وضعیت وخیم جسمانی قرار گرفته اند.

به گفته معاون سخنگوی وزارت خارجه، مقتول از سوی شخصی که هنوز هویت اش روشن نیست کشته شده است و این رویداد به یک شهروند افغانستان نسبت داده شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که ادامه حیاتش به این یورشهای وحشیانه اش به محرومترین و ستمدیده ترین اقشار طبقه کارگر و مدافعین و فعالین مبارزش میسر بوده است، این جنایت را "بدرفتاری" نسبت به پناهجویان تعریف میکند. بد رفتاری در قاموس نظری، فرهنگی و قضای رژیم اسلامی نیاز به بررسی و دادخواهی ندارد بلکه با یک نصیحت و اندرز اسلامی از رسانه های رسمی اش پرونده اش بسته میشود. به آتش کشیدن کارگران و زحمتکشان افغانی یک جنایت و عملی شنیع و ضد انسانی است که مرتکبین اش باید به محاکمه و مجازات کشیده شوند. رژیم اسلامی مذبحخانه سعی دارد که این حرکت ردیالنه را به مردم یزد نسبت داده و اعتراضات عمومی را متوجه شهروندان یزدی کند. در حالیکه این هم یکی از حربه های کثیف رژیم اسلامی است که از هر حادثه و اتفاقی استفاده کرده تا فضا را علیه مهاجرین افغانی مسمومتر کند و برخی از مردم ناآگاه بویژه خانواده مقتول را بر ضد پناهجویان افغانی بشورانند، همان کاری که در مورد پرونده "خفاش شب" انجام داد و بعداً معلوم شد که قاتل اصلاً افغانی نبوده است ولی در جریان آن بسیاری از افغانیان آسیب جدی دیدند و مورد حمله قرار گرفتند. در حال حاضر هم بسیاری از افغانیان ساکن یزد حتی جرات نمی کنند برای خرید روزانه شان از خانه بیرون بیایند. این چهره هر چه کثیف تر رژیم خونریز و خالق اوین ها و کهریزک ها است.

## مقابله با گسترش سرکوبها به تشدید مبارزه . هوشیاری و سازمانیابی انقلابی نیازمند است !

مسیر واقعی خود منحرف کرده و مبارزات جاری را در راستای منافع خود سمت و سو دهند . علاوه بر آن فقدان تشکلهای

پایدار و ضعف و تفرقه

سازمانهای انقلابی و ناتوانی در تاثیر گذاری

محسوس در روند مبارزات جاری و انحرافات و اشکالات موجود موانع اساسی دیگری هستند در راه اعتلای جنبش های اجتماعی در ایران قرار دارند .

در چنین شرایطی تاکید و اقدام عملی در راه نزدیکی و انسجام نیروهای انقلابی ف تمرکز انرژی ها و امکانات در جهت سازماندهی مبارزه نظری و عملی در راستای شناسائی و شناساندن اقدامات و طرحها و برنامه های امپریالیستی و مبارزه با جریاناتی که با قلم و قدم خود به منافع قدرت های مالی و مافیای قدرت و ثروت به ماندگاری رژیم ارتجاعی حاکم خدمت میکنند ، ایجاد تشکلهای و نهادهای مناسب شرایط کنونی ، تلاش در جهت گسترش اعتراضات و اقدامات توده ای و یافتن راه کارهای مؤثر در مقابله با گسترش جو سرکوب ، تلاش برای هماهنگ کردن اقدامات انقلابی با جریان رشد یابنده جنبش ، تدراک و کسب آمادگی لازم برای بروز تحولات ناگهانی ، سازماندهی هسته ها ، کمیته ها و سایر تشکلهای علنی برای تامین ارتباط و تداوم مبارزات و اعتصابات در محیط های کارگری و غیره ... از جمله وظایفی است که میباید در راستای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و سرنگونی انقلابی آن در دستور قرار گیرند .  
( از آرشیونشریه کار کمونیستی )



، اما در نهایت در مخالفت با حرکت های آزادیخواهانه و سرکوب جنبش های اجتماعی و ایجاد مانع در برابر بیداری توده های مردم و رشد و اعتلا مبارزات آنها با مافیای حاکم بر ایران اختلافی ندارند . آنها در اجرای برنامه های سلطه طلبانه خود ، چه با سران جمهوری اسلامی

برای تغییرات مورد نظرشان به توافق برسند و چه نرسند خواهان سرکوب و حذف کارگران پیشرو و رهبران عملی و رادیکال جنبشهای اجتماعی هستند تا فردا با دست باز و فراغ بال به استثمار و غارت و چپاول مشغول شوند و تحولات اجتماعی و سیاسی را آنگونه که طراحی میکنند و به نفع شان هست بدون هیچ مانعی به پیش ببرند . چه بهتر که بخشی از این وظیفه سرکوبگرانه را هم اکنون بدست ارتجاع حاکم عملی سازند . سکوت رسانه های غربی و یا عکس العملهای بسیار محدودشان نسبت به گسترش اعدامها و دستگیریها و سرکوب گریه های رژیم بیانگر همین واقعیت است .

آنچه که روشن و مسلم است مبارزات جاری با موانع عدیده ای روبرو است . علاوه بر طبقه حاکم و رژیم ارتجاعی و آزادی ستیز جمهوری اسلامی ، سرمایه جهانی و امپریالیسم آمریکا در کمین نشسته اند . آنها برای تامین و تضمین منافع خود و در راستای اجرای استراتژی منطقه ای خود مشغول اقداماتی هستند که منافع آتی خود رد ایران را تضمین کنند . آنها با اختصاص بودجه های کلان و طرح های مختلف تحت عناوین مردم پسند ، در تلاش اپوزیسیون سازی و یا نفوذ در تشکلهای و جنبش های اجتماعی هستند تا آنها را از

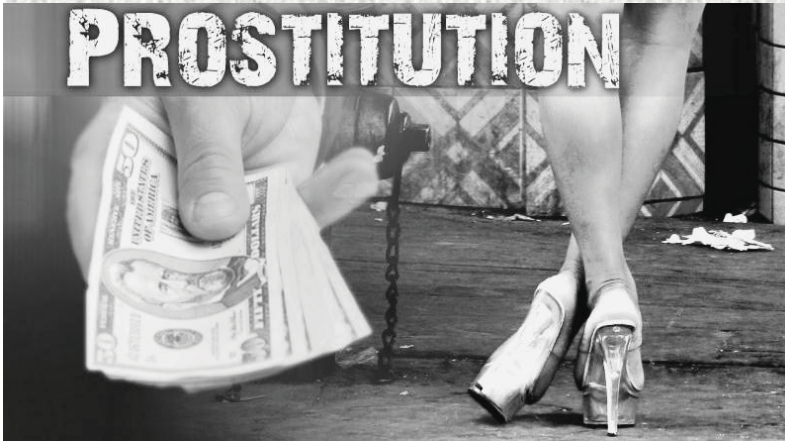
سرکوبهای رژیم در حال گسترش است . همانطور که قابل پیشبینی بود با اجرای طرح تهاجم به زنان این سرکوبگریها وارد دوره جدیدی شده است . دستگیری کارگران ، دانشجویان ، زنان و فعالین اجتماعی و سیاسی سازماندهی و برپائی اعدامهای دسته جمعی تحت عنوان ( مبارزه با اشرار ) محکوم کردن روزنامه نگاران به اعدام و زندان و شلاق برای فعالین کارگری و ... از جمله پیامدهای برنامه ویژه تشدید سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه است .

واقعیت این است که رژیم اسلامی از رشد و اعتلای جنبش های اجتماعی به وحشت افتاد است . گویا دامن زدن به بحرانها و تنشهای خارجی برای انحراف افکار عمومی از آنچه که در داخل میگذرد کافی نبوده است که اینک بر متن و زمینه چنین بحرانهایی سیاست تشدید سرکوب و برنامه ریزی برای خفه کردن این جنبشها را در سطحی گسترده به اجرا گذاشته است . هدف این ددمنشیا ، دستگیری ها و زندانها و کشتارها کاملا واضح و روشن است . حذف عناصر پیشرو جنبشهای اجتماعی ، نظیر کارگران و ، زنان ، دانشجویان ، معلمان ، کارمندان ، ملیتها ... در دستور است تا ضمن ایجاد جو رعب و وحشت در درون جامعه ، این جنبش ها را از رهبران عملی و انقلابی خود محروم کنند ، از سازمانیابی و گسترش آن جلوگیری به عمل بیاورند و سرانجام سرکوب و امحای آنها را آسانتر و ممکنتر سازند . تردیدی نیست که چنین سرکوب برنامه ریزی شده ای از پشتیبانی طبقه سرمایه دار و مافیای حاکم بر ایران و نیز سردمداران سرمایه جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا برخوردار است . آنها برغم ادعای دموکراسی خواهی و دفاع از حقوق بش

## از برکت رژیم جمهوری اسلامی سن تن فروشی به زیر ۱۲ سال کاهش یافته!

## تن فروشی از نگاه آمار

# PROSTITUTION



باشد در هر جامعه ای که فقر و بدبختی بیشتر و فاصله طبقاتی عمیق تر باشد فحشا و فساد از درجه بالاتر برخوردار

به رغم ادعاهای پر طمطراق و گوش کر کن سردمداران حاکم در جهت نابودی و ریشه کن کردن فحشا و دزدی، اذیت و شکنجه جوانان زیر اسم مبارزه با بد حجابی و ... شاهد گسترش دزدی و فحشا، اعتیاد و ... به اشکال گوناگون هستیم بر اساس آمار منتشره سن تن فروشی به زیر 12 سال کاهش یافته است.

تن فروشی زنان و دختران امروزه به یکی از معضلات بزرگ اجتماعی در جامعه ایران تبدیل شده است. یکی از عوامل این معضل فقر و فلاکت و توروم سرسام آور ناشی از سیاستهای رژیم است. چنانچه صادق هدایت گفت:

فاحشه را خدا فاحشه نکرد؛ آنان که در شهر نان قسمت می کنند، او را لنگ نان گذاشته اند، تا هر زمان که لنگ هم آغوشی مانند، او را به نانی بخزند!

بی شک دزدی، فحشا و قاچاق و ... جملگی ناشی از سیستمی هستند که در آن فقیر و دارا هست، پولدار و بی پول هست استثمار و سوداگری برای سود بردن و ثروت اندوزی هست، اقلیتی که ماشین سرکوب دولتی در خدمت آنانست کارخانه ها، معادن، بازرگانی و ... را در ید قدرت خود می گیرند و به طور آشکار به دزدی و غارت دسترنج و حاصل کار اکثریت جامعه یعنی زحمتکشان می پردازند و به بهای این غارت از همه گونه رفاه برخوردارند اما اکثریت غارت شده و استثمار شده همچنان در ذلت و خواری و فقر و سیاه روزی دست و پا می زنند، و گروهی از این اکثریت که تعدادشان کم نیست و دستشان از همه چیز کوتاه شده، نمی توانند مایحتاج زندگی شان را فراهم آورند به دزدی و فحشا و تن فروشی روی می آورند، عکس العمل همه حکومت های سرمایه داری در برابر این پدیده ها ماهیتا یکسان است، همه آنها توسط پلیس و نیروهای سرکوبگر و قوانین و مصلحتشان، دزدی و دزد، تن فروشی فواحش و ... را محکوم می کنند، مجازتهای سنگین وضع می کنند اما خود در نهان و عیان همچنان به غارت زحمتکشان مشغولند. نه اعدام و نه زندان و شکنجه هیچکدام قادر به از میان بردن این پدیده ها که زائیده نظام سرمایه داریست نمی

نرخ تن فروشی نیز طبقاتی است: به این مفهوم که از رقم یک دلار در افریقای جنوبی شروع می شود، این رقم در شهر شیکاگو به ازای یک هم خوابگی مردی با درآمد بسیار پایین با یک تن فروش 25 دلار است و تا 10 هزار دلار در ساعت برای تن فروشان های کلاس بالا (high class) که اسکورت مخصوص بورژوازی ثروتمند (سرمایه داران امپریالیست) هستند تخمین زده می شود.

از هر 10 نفر مرد در جهان مرد سالار سرمایه داری، یک نفر برای خرید سکس پول پرداخت کرده است. در چین هر یک مرد از 4 نفر مرد و در کره جنوبی هر یک مرد در میان 5 مرد بابت سکس با زن پول پرداخت می کنند. در کره جنوبی مرده ها بیش از 4 بار در ماه پول برای سکس با زن تن فروش پرداخت می کنند که البته این رقم در میان سربازان نظامی آمریکا مستقر در پایگاه های نظامی مستقر در کره جنوبی بسیار زیاد است.

در آمد "صنعت سکس" در کشور تایلند 35 بیلیون دلار است! در آمد "صنعت سکس" در انگلیس بیش از 1 بیلیون دلار است! در ژاپن "صنعت سکس" بیش از 27 بیلیون در آمد دارد!

در کشور آمریکا 80 هزار نفر از شهروندان به خاطر خریداری سکس بازداشت می شوند. این به معنی این است که 200 میلیون دلار در سال که خرج دادگاه و زندانی کردن این افراد می شود از جیب مالیات دهندگان بابت مخارج دادگاه و زندانی آن 80 هزار نفر پرداخت می شود.

طبق گزارش دیگری که مربوط به این سایت نیست: "شهر تل آویو واقع در کشور اسرائیل به پایتخت فاحشه خانه های دنیا" معروف است!!

است. فحشا و فساد و دزدی هنگامی محو می شود که بیکاری و گرانی و استثمار نباشد. فحشا و فساد و بیکاری و تمامی این مشکلات تنها با واژگونی نظام سرمایه داری نابود خواهد گردید.

### تن فروشی از نگاه آمار

به نقل از نشریه بذر شماره 55 تمام آمار زیر از نوشته "موقعیت تن فروشی (فاحشه گری) در جهان" و از سایت زیر در تاریخ 7 آوریل 2010 به دست آمده است.

<http://theblindproject.com/blog/2010/04/the-stats-behind-prostitution>

"در شرایط کنونی 40 میلیون نفر در صنعت تن فروشی (فاحشه گری) دنیا اشتغال دارند.

در حال حاضر 2 و نیم میلیون نفر قربانی قاچاق تن فروشی هستند"

"جمعیت کانادا 33 میلیون نفر است."

جمعیت استرالیا 32 میلیون نفر است"

تعداد تن فروشان در جهان 40 میلیون نفر.

"تعداد زنانی که به کار تن فروشی در جهان اشتغال دارند بیش از کل جمعیت کانادا یا استرالیا است."

تن فروشی در 22 کشور جهان کاملاً قانونی است از جمله در: استرالیا،

نیوزلند، یونان، کلمبیا، مکزیک،

انگلیس، کشورهای آمریکای جنوبی،

سوئیس، آلمان، بلژیک، هلند، فرانسه،

دانمارک، اتریش و اکثر کشورهای اروپای متحد.

در آمریکا خودفروشی "غیر قانونی"

است اما در برخی نواحی شهرها قانونی

می باشد (مثل ایالت نوادا).

در تایلند و فلپین تن فروشی "غیر

قانونی" است ولی با ورود پایگاه های

نظامی آمریکا و سربازان چکمه سبز

آمریکا به تایلند بازار تن فروشی رایج

شد.

## اطلاعیه پایانی اولین نشست مشترک احزاب سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

در روزهای 22 الی 24 ژوئن 2012 برابر با 2 الی 4 تیرماه 1391 نشست تدارکاتی احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در کلن آلمان برگزار شد. نشست با علم به تفاوت‌های نگرشی و سیاسی، بر اشتراکات و بر همکاری‌های مشترک در اوضاع خطیر کنونی تاکید کرد.

این نشست در تداوم جلسات هیئت‌های نمایندگی احزاب و سازمانها و نهادها برگزار شد و در آن نمایندگان 25 حزب، سازمان و نهاد سیاسی حضور داشتند.

نشست اعلام کرد که ما بخشی از نیروی وسیع چپ و کمونیسم در ایران هستیم و نشست کنونی را سر آغازی برای یک تلاش مشترک وسیع‌تر کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی برای نهادینه کردن همکاری‌ها و تبادل نظر تلقی میکنیم.

بدنبال بحث‌ها حول چه باید کرد، نشست به توافقات زیر رسید:

- 1- تشکیل یک شورای نمایندگان از جریانات مختلف با وظیفه هماهنگی فعالیتها و تدارک نشست دوم طی ماه‌های آتی.
- 2- سازماندهی اقدامات سیاسی معین برای تقویت این روند.

نشست تاکید کرد که در فضای ملتهب سیاسی ایران و جهان برای ایجاد یک بدیل انقلابی و کارگری و سوسیالیستی تلاش می‌کند. هدف نشست و تبادل نظرها، در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه‌حل‌های رفرمیستی و ارتجاعی آن است.

ما نیروهای شرکت‌کننده در این نشست، همه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی را به همکاری و تشریک مساعی در تقویت این روند دعوت می‌کنیم.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد آزادی!**  
**زنده باد سوسیالیسم!**

## پیام همبستگی نشست مشترک احزاب سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

محکومیت هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به نشست فعالین کارگری در کرج اخیرا هجوم سرکوبگران جمهوری اسلامی به نشست سالیانه "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" در شهر کرج منجر به سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری حدود 60 نفر از فعالین کارگری شرکت‌کننده در این اجلاس سالیانه شده است. گرچه نزدیک به 50 نفر از کارگران دستگیر شده، پس از 48 ساعت آزاد شدند، اما حدود ده تن از آنان همچنان در زندان به سر می‌برند. این در حالی است که پیش از آن، کارگرانی همچون: رضا شهابی، علی نجاتی، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، علی اخوان، رسول بداقی و ... و نیز فریبرز رئیس‌دانا عضو "کانون مدافعان حقوق کارگر" از مدت‌ها پیش زندانی شده‌اند.

بی‌تردید این تعرض سرکوبگرانه به فعالین کارگری نشانه وحشت رژیم جمهوری اسلامی از رشد ناراضیاتی و اعتراضات عمومی مردم، به ویژه طبقه کارگر در برابر وخامت وضعیت معیشتی و محرومیت همه جانبه‌ای است که زندگی همگانی را با دشواری‌های فراوان روبرو کرده است.

اعتراض خانواده‌های دستگیر شدگان و اعتراضات عمومی در سطح جامعه و اعتراض اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری و نهادهای مبارزاتی در سطح جهان پاسخی است که در مقابل این حمله به عمل آمده است.

ما حاضرین در نشست تدارکاتی احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط دستگیر شدگان نشست کرج و تمامی فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی هستیم.

ما پشتیبانی همه جانبه خود را از مبارزات و خواست‌های برحق طبقه کارگر در ایران اعلام و همچنین از تحرکات فعالین "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران"، "نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج از کشور" و ... حمایت همه جانبه خود را اعلام می‌داریم.

## اسامی شرکت‌کنندگان در نشست به ترتیب حروف الفبا:

1. اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران (ناظر)
2. اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
3. اتحاد فدائیان کمونیست
4. پیوند در خدمت کمونیست‌های ایران
5. جمعی از چپ‌های کلن - آلمان
6. حزب اتحاد کمونیسم کارگری
7. حزب رنجبران ایران
8. حزب کمونیست ایران
9. حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائونیست)
10. سازمان آزادی زن
11. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته مرکزی
12. شبکه زنان (ناظر)
13. شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران- تورنتو، کانادا (ناظر)

14. شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکهلم
15. شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران
16. کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
17. کمیته بین‌المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران (ناظر)
18. کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
19. کمیته یادمان کشتار سیاسی دهه 60 در ایران - مونترال
20. نشست زنان چپ و کمونیست
21. نهاد همبستگی کارگری نورد راین و وستفالن، آلمان (ناظر)
22. نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان
23. هسته اقلیت
24. همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس
25. هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

27 ژوئن 2012 - 7 تیر 1391

## ارمغان جمهوری اسلامی برای توده های زحمتکش کشور بروایت تصویر!



رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی و مزدوران جلادش در تداوم سیاست گسترش فضای رعب و وحشت بمنظور اعمال قدرت پوشالی نظام تا خرخره در بحرانهای لاینحل فرو رفته سرمایه داری. هر روز بر ابعاد جنایت و آدمکشی خویش میافزایند و در میدان سرکوب و اختناق حاکم دستهای مزدوران جلاد این نظام بحرآنزده برای اعمال هر جنایت شیعی کاملاً از جانب سردمداران حاکمیت ترور و خفقان باز نگهداشته شده تا شاید باران رحمت نظام سرمایه داری ولایت فقیهی شامل حال توده های محروم و ستمدیده کشور در بندمان شود.

رژیمی که از هر سوی درگیر بحرانهای فزاینده و رو به گسترش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و هزاران هزار معضل دگر است هر از چند گاهی که خویش را در گرداب بنیان بر افکن بحرانهای داخلی و بین المللی میابد به سیاست گسترش فضای رعب و وحشت روی میاورد و هر صدای اعتراضی را در اوج بیرحمی و با آتش سلاح و اعمال قهر ضد انقلابی پاسخ میگوید.

قتل و کشتار نشان از ضعف و درماندگی جمهوری اسلامی در کنترل بحران رو به گسترش و دامنگیر حاکمیت ننگینش است.

بی شک تنها پاسخ شایسته و قاطع در برابر قهر ضد انقلابی اعمال قهر انقلابی توسط توده های محروم و ستمدیده است. قهر مادی تنها با قهر مادی سرنگون خواهد شد. شکل و مبارزه آگاهانه تنها رمز پیروزی محرومان است و بس. با تشکیل انجمنها و شوراهای ایالتی و ولایتی اتحاد و انسجام پولادین توده ای و تداوم مبارزه آگاهانه را تا پیروزی بر نظام فاسد و رو به سقوط جمهوری اسلامی را تضمین نماییم.



**ما کارگران برای پیروز شدن و گرفتن حق و حقوقمان هیچ راهی جز وحدت و تشکیلات نداریم. به صفوف سازمان فدائیان کمونیست که سازمانی است متعلق به کارگران و زحمتکشان پیوندید!**



## لنین و مبارزه با دین پس از انقلاب اکتبر



برخورد مارکسیسم به دین را به عهده گرفت. او در اثر درخشان خود " دولت و انقلاب " ( سپتامبر 1917 ) برخورد اپورتونیستی سوسیال دموکراسی آلمان را به دین شدیداً مورد انتقاد قرار داد. لنین در این اثر نوشت که سوسیال دموکراتهای آلمان فرمولبندی معروف خصوصی بودن دین را چنان تحریف کردند که گویا " دین حتی در رابطه با حزب پرولتاریای انقلابی نیز یک امر خصوصی است " ( تاکید از لنین ). لنین این تحریف سوسیال دموکراسی آلمان را " خیانت کامل به برنامه انقلابی پرولتاریا " اعلام کرد. لنین خاطر نشان ساخت که سوسیال دموکراسی آلمان به چنان حدی از اپورتونیسم سقوط کرده است که " مبارزه ی حزب بر ضد تریاک دین را تخدیر کننده ی توده ها است. رد می کند " ( تاکید از لنین ).

پس از پیروزی انقلاب اکتبر و در موقع تدوین برنامه ی جدید حزب بلشویک در سال 1919 ، می بایست فرمولبندی صحیحی در مورد برخورد مارکسیسم و حزب پرولتاریا به دین در برنامه ی حزب گنجانده می شد. پس از خیانت حزب سوسیال دموکرات آلمان و تحریف آشکار رهبران این حزب در اصول مارکسیسم و گنجاندن یک فرمولبندی اپورتونیستی در مورد دین در برنامه ی حزب ، حال حزب بلشویک به رهبری لنین می بایست برخورد اصولی به دین را دقیقاً مشخص کند. از این رو لنین شخصاً این وظیفه را به عهده گرفت و در طرح برنامه ی جدید حزب بلشویک برخورد مارکسیستی به دین را دقیقاً روشن ساخت. فرمولبندی لنین با تغییرات بسیار اندکی وارد برنامه حزب کمونیست روسیه ( بلشویک ) شد که در مارس 1919 در کنگره ی هشتم حزب به تصویب رسید.

از دیدگاه لنین بین برخورد دولت پرولتری و حزب پرولتری به دین تفاوت

فرمولبندی راه را برای اپورتونیستها باز می گذاشت. مارکس در اثر خود " نقد برنامه گوتا " این فرمولبندی اپورتونیستی را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. در برنامه ارفورت ( 1891 ) حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز این فرمولبندی دوباره به شکل دیگری گنجانده شد. در بند 6 برنامه ی ارفورت آمده است که " نهادهای دینی بعنوان مجامع خصوصی شناخته می شوند. " انگلس پیش از تدوین این برنامه در نامه ای فرمولبندی دیگری را پیشنهاد کرده بود که رهبری حزب نه تنها به آن توجهی نکرد ، بلکه حتی تا اکتبر 1901 آن را از اعضای حزب مخفی داشت. پیشنهاد انگلس چنین بود : " دولت تمام نهادهای دینی را بدون استثناء بعنوان مجامع خصوصی می شناسد. نهادهای دینی نمی توانند از وجوه عمومی کمک مالی دریافت دارند یا بر آموزش عمومی اعمال نفوذ کنند. " انگلس مخصوصاً روی کلمه دولت تاکید کرده بود تا مشخص شود که دین امری خصوصی است نه در رابطه با حزب طبقه کارگر. فرمولبندی حزب سوسیال دموکرات آلمان در عمل اینگونه تفسیر می شد که دین امری خصوصی است و حزب اصلاً به این مساله توجه ندارد که اعضای حزب مذهبی باشند یا نباشند. بطوری که به تدریج این نظریه شکل می گرفت که مارکسیسم اصلاً ضد دین نیست و یا فراتر از این گرایشهایی پیدا شدند که معتقد بودند بین مارکسیسم و دین هیچ تفاوت بنیادی وجود ندارد و می توان این دو مکتب را تلفیق کرد. بدین ترتیب اپورتونیستها اصول مارکسیسم را نیز به وسیله ای برای تحمیل مذهبی توده ها تبدیل کردند.

در چنین وضعیتی بود که لنین وظیفه ی مبارزه با تحریفات اپورتونیستی در

لنین به خوبی می دانست و همیشه تاکید می کرد که مبارزه علیه کلیسا و متولیان دین با مبارزه علیه تعصبات توده ها و قربانیان دین متفاوت است. دومی مبارزه ای است طولانی که به زمان و آموزش نیاز دارد. اگر دولت وقت شوروی با صدور یک فرمان می توانست کلیسا را قانوناً از دولت و نظام آموزشی جدا کند ، ولی هرگز نمی توانست با چنین روشهایی بر تعصبات مذهبی توده های زحمتکش فایز آید. از این رو در کنار مبارزه ی سرسختانه علیه کلیسا و مقامات دینی ، مبارزه ی دیگری نیز برای رهایی توده ها از چنگال تعصبات و خرافات دینی در دستور کار قرار گرفت. هدف اصلی این مبارزه آگاه کردن توده ها و برملا ساختن گوهر حقیقی دین بود. حزب بلشویک می بایست خطوط عمده ی چگونگی مبارزه با دین را برای اعضا و فعالان حزب مشخص سازد. به سخن دیگر حزب می بایست تئوری منسجمی در مورد برخورد مارکسیستی با دین در شرایط در قدرت بودن پرولتاریا ارائه دهد. همچنین تفاوت برخورد دولت و برخورد حزب به دین نیز می بایست روشن شود. لنین در تعیین چگونگی برخورد تئوریک و عملی به دین در دوره ی پس از انقلاب اکتبر نقش ویژه ای ایفا کرد.

جایگاه دین در برنامه 1919 حزب بلشویک یکی از تحریفات اپورتونیستی مهمی که در مارکسیسم انجام گرفته است ، در مورد چگونگی برخورد با دین است. نقش اساسی را در این تحریف اپورتونیستی ، سوسیال دموکراسی آلمان ایفا کرده است. سوسیال دموکراسی آلمان اعتقاد نداشت که آتنیسم ( دین ستیزی ) بخش جدایی ناپذیر مارکسیسم است. این عدم اعتقاد بخوبی در برنامه گوتا ( 1875 ) بیان شده بود. در این برنامه آمده است که " دین امر خصوصی اعلام می شود ". این

بنیادی وجود دارد. تا آنجا که به دولت مربوط است، دین امری خصوصی است و هر شهروندی مجاز است که به هر دینی که می خواهد اعتقاد داشته باشد و یا اصلاً به هیچ دینی اعتقاد نداشته باشد. دولت موظف است که در هر صورت حق بدون قید و شرط آزادی عقیده را تضمین کند. دولت پرولتری در عین حال باید شرایط جدایی کامل دین از دولت و نظام آموزشی از دین را فراهم کند و این خواست انقلابی را متحقق سازد. دولت جوان شوروی در تاریخ 23 ژانویه 1918 با صدور یک فرمان انقلابی دین را از دولت و نظام آموزش را از دین جدا اعلام کرد. ولی برخورد حزب پرولتاریا به دین به گونه ای دیگر است. حزب پرولتری آتنیسم (دین ستیزی) را بخش لازم و مکمل

مارکسیسم می داند و از این رو تبلیغات ضد دینی را یکی از وظایف خود می شمارد. به سخن دیگر حزب پرولتاریا نه تنها دین را امری خصوصی نمی داند،

بلکه فراتر از این مبارزه با دین را در دستور کار خود قرار می دهد. اپورتونیسم بین این دو گونه برخورد مختلف به دین تمایزی قایل نیست.

ولی لنین در فرمولبندی خود در مورد دین این تمایز را مد نظر قرار می دهد و تاکید می کند که حزب نمی تواند خود را به خواست جدایی دین از دولت (که با صدور فرمان 23 ژانویه 1918 حاصل شده بود) محدود سازد. این فرمولبندی که در بند 13 برنامه ی 1919 حزب آمده است چنین است:

"در مورد دین، حزب کمونیست روسیه خود را به جدایی دین از دولت و نظام آموزشی از دین که هم اکنون با صدور فرمانی حاصل شده است، محدود نمی کند، یعنی اقداماتی که دموکراسی بورژوایی در برنامه ی خود می گنجاند ولی به دلیل پیوندهای گوناگون بین سرمایه و تبلیغات دینی هرگز آنها را

متحقق نمی سازد. حزب کمونیست روسیه معتقد است که تنها برنامه ریزی آگاهانه و سیستماتیک فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی توده ها به نابودی کامل تعصبات دینی منجر می شود. هدف حزب از میان بردن کامل پیوندهای بین طبقات استثمارگر و تبلیغات دینی سازمانیافته است. حزب در عین حال به توده های زحمتکش کمک می کند تا عملاً خود را از تعصبات دینی رها سازند. حزب همچنین وسیع ترین آموزش علمی و تبلیغات ضد دینی را سازماندهی می کند. ولی باید دقت شود تا از توهین به احساسات مذهبی معتقدان به دین جلوگیری به عمل آید، زیرا این کار تنها باعث می شود که فنانیسیسم مذهبی تقویت شود. "بدین ترتیب لنین به اعضای حزب رهنمود می دهد که

**ما باید در مبارزه علیه تعصبات مذهبی بی نهایت دقت کنیم برخی افراد با توهین به احساسات مذهبی در این مبارزه زیانهای به بار می آورند. ما باید از تبلیغات و آموزش استفاده کنیم ... ریشه ی اصلی تعصب مذهبی در فقر و ناآگاهی قرار دارد. این شری است که ما باید با آن مبارزه کنیم.**

زیانهای به بار می آورند. ما باید از تبلیغات و آموزش استفاده کنیم ... ریشه ی اصلی تعصب مذهبی در فقر و ناآگاهی قرار دارد. این شری است که ما باید با آن مبارزه کنیم."

لنین از آن بیم داشت که به عوض مبارزه با بنیانهای مادی اعتقادات مذهبی توده ها، خود مبارزه با این اعتقادات عمده شود و در مبارزه ی پرولتاریا روسیه برای ساختمان سوسیالیسم انحرافی بوجود آید. وقتی که پلنوم کمیته مرکزی حزب در 18 مه 1921 طرح تندروانه ای را در مورد چگونگی اجرای بند 13 برنامه ی حزب (ارجع به دین) مورد بحث قرار می داد، لنین اصلاحیه ای بر این طرح نوشت که در خور توجه است. اصلاحیه ی پیشنهادی لنین چنین بود: "به بوخارین و

یاروزلاوسکس وظیفه داده شود تا این طرح را مورد بازبینی قرار دهند، بطوری که از تاکید بیش از حد به مساله ی مبارزه با دین اجتناب شود ... و اجازه داده شود که در شرایط بسیار

محدود و معینی افراد مذهبی ای که کمونیستهای صادق و فداکاری هستند، در حزب باقی بمانند. مبارزه علیه دین باید بر بنیان علمی تری بنا نهاده شود. "البته از این گفته لنین نباید نتیجه گرفته شود که او عضویت افراد مذهبی را بطور کلی در حزب مجاز می دانسته است. لنین برای جلوگیری از چنین برداشت نادرستی در چندین مورد متذکر شد که اعضای حزب حق ندارند در مراسم دینی شرکت کنند. برای نمونه وقتی در 30 مه 1919 از لنین پرسش می شود که افرادی که در مراسم دینی شرکت می کنند می توانند در عضویت حزب باقی بمانند، او قاطعانه چنین پاسخ می دهد: "من خواستار آنم افرادی که در مراسم دینی شرکت می کنند، از حزب اخراج شوند." لنین معتقد بود که مبارزه با دین باید با دقت و ظرافت خاصی انجام گیرد و از هرگونه

تبلیغات ضد دینی را بخشی از وظایف خود بدانند. ضمناً لازم به یادآوری است که این اولین بار بود که آتنیسم رسماً وارد برنامه ی یک حزب پرولتری می شد. حتی در برنامه ی 1903 حزب سوسیال دموکرات روسیه چنین تاکیدی وجود نداشت و تنها به خواست جدایی دین از دولت اکتفا شده بود. ولی باید توجه داشت که لنین بلافاصله پس از ذکر ضرورت سازماندهی تبلیغات ضد دینی تاکید می کند که نباید به احساسات مذهبی توده ها توهین شود. لنین پیش از این نیز بارها به این نکته ی بسیار مهم اشاره کرده بود. برای نمونه او در سخنرانی خود در کنگره ی سراسری اول زنان کارگر که در نوامبر 1918 برگزار شده بود اظهار داشت:

"ما باید در مبارزه علیه تعصبات مذهبی بی نهایت دقت کنیم برخی افراد با توهین به احساسات مذهبی در این مبارزه



تندروی و افراط پرهیز شود. برای نمونه او وقتی متوجه می شود که کمیته مرکزی حزب قصد دارد مراسم جشن اول ماه مه سال 1921 را به روز مبارزه علیه دین تبدیل کند، بلافاصله نامه ای به مولوتف می نویسد و خواستار متوقف شدن این کار می شود. لنین به مولوتف خاطر نشان ساخت که در مراسم جشن اول ماه مه باید "مطلقاً از توهین به دین اجتناب شود." به خواست لنین کمیته مرکزی حزب در 21 آوریل 1921 اطلاعیه ای در پراودا (ارگان حزب) به چاپ رساند و از اعضای حزب درخواست کرد که در مراسم جشن اول ماه مه "باید از هرگونه عمل یا گفته ای که احساسات مذهبی توده های مردم را جریحه دار کند پرهیز شود." لنین معتقد بود که رای تبلیغات ضد دینی می توان از سینما استفاده کرد. او بر این عقیده بود که سینما وسیله ایست که توده های وسیعی می توانند به آن دسترسی داشته باشند.

بنابراین ساختن فیلمهای علمی و آموزشی و نشان دادن آنها در سالنهای سینما به بالا رفتن سطح آگاهی توده ها شدیداً کمک می کند. او در 25 ژانویه 1920 مشخصاً خواستار شد که فیلمهای ضد دینی و علمی ساخته شوند. سند دیگری نیز از برخورد لنین به دین در دست داریم که توجه به آن جالب است. پولیت بوروی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در سپتامبر 1921 تصمیم می گیرد تا کتابهای موجود در انبارهای کتاب مسکو را به فروش برساند. لنین طرحی برای این کار به حزب پیشنهاد می دهد که بند 3 آن از همه جالب تر است. او در این بند کتابهای مذهبی را در کنار مطالب پورنوگرافی قرار می دهد و فروش آنها را ممنوع می کند. لنین همچنین پیشنهاد می کند که این دوگونه نوشتجات بعنوان کاغذهای باطله در اختیار شرکت صنایع کاغذ قرار گیرد.

نگاهی به اثر لنین "درباره اهمیت ماتریالیسم مبارزه" آخرین نوشته ی مهم لنین در مورد چگونگی برخورد به دین

"درباره ی اهمیت ماتریالیسم مبارز" نام دارد که در 12 مارس 1922 در مجله ی "زیر پرچم مارکسیسم" به چاپ رسید. این نوشته یکی از درخشانترین آثار لنین در مورد دین است. ما با نگاه کوتاهی به این نوشته مقاله ی خود را به پایان می بریم. لنین در ابتدای مقاله ی خود خاطر نشان می سازد که اتحاد بین کمونیستها و غیر کمونیستها برای مبارزه علیه دین و اصولاً برای ساختمان کمونیسم مطلقاً ضروری است:

"یکی از بزرگترین و خطرناک ترین اشتباهاتی که کمونیستها مرتکب می شوند این است که انقلاب تنها می تواند به وسیله ی انقلابیون انجام شود... بدون اتحاد با غیر کمونیستها در عرصه های گوناگون فعالیت، نمی توان هیچ صحبتی از ساختمان موفقیت آمیز کمونیسم به میان آورد... این مساله در

هیجدهم برای توزیع وسیع در بین مردم به روسی ترجمه شوند. البته او متذکر می شود که آخرین پیشرفتها در نقد علمی دین باید به این نوشته ها افزوده شوند. لنین تاکید می کند که بزرگ ترین اشتباه برای یک مارکسیست این خواهد بود که تصور کند میلیونها انسان محکوم شده به ناآگاهی و خرافات را می توان تنها با آموزش صرفاً مارکسیستی از این وضعیت نجات داد. باید آثار تبلیغاتی آنتیستی گوناگونی در اختیار توده ها قرار گیرد. لنین متذکر می شود که مساله ی بسیار مهم این است که چگونه در توده ها علاقه به برخورد به مذهب را ایجاد کنیم. در ادامه لنین می نویسد که مجله ی ارگان ماتریالیسم مبارز باید حجم بیشتر صفحات خود را به تبلیغات آنتیستی و نقد ادبیات مربوط به دین اختصاص دهد: "بویژه مهم است از کتابها و جزوه هایی استفاده شود که در

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست خود را وفادار به سنتهای مارکسیسم، متکی به تجارب جنبش کمونیستی و بلشویسم و مسلح به تئوری سوسیالیسم علمی میداند و خود را ادامه دهنده مانیفست کمونیست و حرکت تاریخی کمونیستهای ایران و جهان بشمار می آورد.**

بر دارنده ی فاکتهای مشخصی اند که نشان می دهند چگونه منافع طبقاتی و تشکلهای طبقاتی بورژوازی مدرن با تشکلهای نهادهای دینی و تبلیغات مذهبی در ارتباطند.

لنین در بخش دیگری از مقاله می نویسد که افزون بر اتحاد با ماتریالیستهای پیگیر که عضو حزب نیستند، باید با دانشمندان علوم طبیعی نیز وارد اتحاد شد. لنین در آخر مقاله توصیه می کند که تمام نویسندگان مجله ی "زیر پرچم مارکسیسم" باید دیالکتیک هگل را بطور سیستماتیک از دیدگاه ماتریالیستی مطالعه کنند.

مورد دفاع از ماتریالیسم نیز صدق می کند... این یک وظیفه ی بدون قید و شرط ما است که کلیه ی پیروان ماتریالیسم پیگیر و مبارز را برای کار مشترک مبارزه با ارتجاع فلسفی... جلب کنیم. "لنین در ادامه ی مقاله می نویسد که مجله ی "زیر پرچم مارکسیسم" باید یک ارگان آنتیستی مبارز باشد. او تاکید می کند مجله ای که وظیفه ی خود را تبلیغ ماتریالیسم مبارز اعلام می دارد، باید "تبلیغات آنتیستی خستگی ناپذیری و مبارزه ی آنتیستی خستگی ناپذیری را به پیش برد."

لنین سپس رهنمود می دهد که آثار آنتیستی (بورژوازی) اواخر قرن

## گرامی باد یاد و خاطره رفیق کبیر

### حمید اشرف تجسم اراده خلل ناپذیر فدائی !



ارزشهای انقلابی است که " عنصر فدائی " را بمنزله تجسمی از انسان کمونیست در شرایط ویژه ی جامعه ی ایران تعیین می بخشد . بی هیچ تردید نوشته ی رفیق حمید در " جمع بندی سه ساله " در تحلیل جانبازیها و از خود گذشتگی های انقلابی پیشگامان جنبش نوین کمونیستی ایران آئینه ی تمام نمای خصائل انقلابی خود اوست :

" ارزشهای انقلابی موجود در سازمان ما نتیجه ی فداکاریها و جانبازیهای رفقای قهرمان ماست . این پیشگامان بسیاری از چیزهایی را که قبلا وجود نداشت بوجود آوردند و ارزشهای نوینی خلق کردند و مفاهیم نوینی را مطرح ساختند و تثبیت نمودند و مکتبی از آموزشهای انقلابی بر پا داشتند . رفقای ما نمونه ی کاملی از صداقت انقلابی بودند رفقای ما به خاطر اعتقاداتشان بی محابا هر خطری را تقبل می کردند و معمولا به تنها چیزی که بها نمی دادند جانش بود و همین بود که مفهوم " فدائی " در مورد آنها نه بعنوان یک شعار بلکه بعنوان یک واقعیت مصداق پیدا می کرد . " ، همچنان که امروز نیز چنین است و او خود نمونه بزرگی از آن چه درباره دیگران میگفت بود .

رفیق حمید سازمانگر آزموده و رزمنده ی ورزیده ای بود که در عرصه ی مبارزات سیزده ساله ی انقلابی خود در شرایط فشار و سرکوب و خفقان خصوصیات فرماندهی قاطع و پر تجربه ، با بینشی ژرف را بدست آورده بود . او در نبردهای متعددی که با مزدوران رژیم پهلوی داشت چنان تیزبینی ، دقت و بینش تاکتیکی سخپیده ای از خود نشان می داد که دشمنان را نیز به ستایش و تحیر وا می داشت . رفیق حمید در طول

هشتم تیر ماه برابر بود با سالروز شهادت فدائی خلق حمید اشرف رهبر کبیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ده تن از همرزمانش رفقا غلامعلی خراط پور ، محمد حسین حق نواز ، یوسف قانع خشک بیجاری ، محمد رضا یثربی، طاهره خرم ، غلامرضا لایق مهربانی ، علی اکبر وزیری ، محمد حسین فوقانی و عسکر حسینی ابرده .

شهادت فدایی کبیر حمید اشرف و همرزمانش اگر چه ضایعه ای پس بزرگ برای جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران بود اما علیرغم هرزه درائیهها و یاهه سرایی رژیم منفور پهلوی مبنی بر متلاشی کردن سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ، جنبش نوین کمونیستی ایران از حرکت پیروزمندانه خود باز نایستاد و سازمان با درس آموزی از تجربیات گذشته و بهره گیری از میراث خونین مبارزه ی هزاران فدایی رزمنده راه پر افتخار فدائیان را که تا واپسین دم زندگی بخاطر ارمانهای انقلابی طبقه ی کارگر و زحمتکشان جامعه مبارزه میکردند ادامه داد و سرانجام دوشادوش کارگران و زحمتکشان فعالان در برانداختن و نابودی رژیم جنایتکار شاه خائن شرکت کرد .

حیات پر بار و افتخار آمیز سازمان ، نتیجه مبارزه ی هزاران فدائی کوشنده و خستگی ناپذیری است که در سیاه ترین سالهای اختناق و خفقان مصمم و پیگیر در جهت آرمان والای کارگران و زحمتکشان مبارزه کردند و در توفانی ترین مقاطع تاریخی ، پرچم خونین سازمان را برافراشته نگاه داشتند ، و از سنگین ترین آزمونها تاریخ سرفراز بیرون آمدند .

بی تردید یکی از برجسته ترین و انقلابی ترین چهره های جنبش نوین کمونیستی ایران رفیق کبیر حمید اشرف است . رفیق حمید اشرف یکی از بنیانگذاران

6 سال زندگی مخفی پر ثمر خود 14 بار حلقه ی محاصره مزدوران را درهم شکست و توطئه ی آنان را عقیم کرد . رفیق حمید رهبر قاطع و خستگی ناپذیری بود که در بازسازی سازمان پس از ضربات تیر و مرداد سال 1350 اساسی ترین نقش را بعهده گرفت و با کمک 5 تن از رفقای که از ضربات مصون مانده بودند سازمان را سخت کوشانه نوسازی کرد .

رفیق حمید همه خصلتهای انقلابی یک رهبر برجسته را دارا بود . وی همواره بر اساس واقعیتهای مشخص و با درکی عینی فعالیتهای انقلابی را سازمان می داد . او خود در این باره چنین می نویسد : " طرح یک ایده و یک آرزو هر قدر هم که ضروری تشخیص داده شود بدون ارتباط با امکانات عملی سازمان چیزی بی حاصل است . پس از طرح شدن یک ایده می بایست اسلوب مناسب و عملی برای اجرای آن ارائه کرد و گرنه طرح ایده ها بدون اسلوب عملی ، کار بی فایده ای است . "

درس آموزی از اشتباهات گذشته توجه به آموزش و کسب تجربه از رویدادها و انتقاد شدید از شتابزدگی ها از مسایل دیگری بود که رفیق حمید مسئولانه به آنها توجه می نمود و می کوشید تا با برخورد صادقانه به کاستی ها و شناخت

فدائی مغایرت دارد که داعیه ی فدایی بودن این جریانات و عناصر فقط در تنگنای اذاهان شان و در فراخنای قلم فرسای هایشان - که عمدتاً بر علیه فدائیان صورت می گیرد - محدود می ماند .

رفیق حمید همچنانکه نسبت به همزمان صدیقش سراپا عشق می ورزید نسبت به آنانکه ضعف های اساسی نشان میدادند یا در نیمه راه جنبش خیانت می ورزیدند همچنانکه به دشمن سخت کینه می ورزید با قاطعیت انقلابی با آن برخورد میکرد . بیهوده نبود که اپورتونیستهای رنگارنگ از تروتسکیستهای خجول تا روشنفکران مردد او را با استالینیستی مقایسه میکردند و از وجود شبخ استالینیستی بر سازمانی که او آن را رهبری میکرد دم میزدند . آری او مظهر و مدافع نظم انقلابی تشکیلات بود و در این رابطه گذشت نمی کرد . اندیشه رفیق کبیر حمید اشرف که تنها رفیقی بود که دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفته بود ، الهام بخش فدائیان است که هرگز سنگر مبارزه را رها نمی کنند و در راه آرمان طبقه ی کارگر و زحمتکشان جامعه تاخرین قطره ی خون خود مبارزه می کنند . بکوشیم با ایمان به پیروزی راهمان در راهی که از خون رفقائی چون او لاله گون است استوار بمانیم و انقلاب را در پیوند با توده ها در نبردی طولانی بسرانجام برسانیم . راهشان پایدار و یادشان گرامی باد !

ایثار داشتند امروز میراث ماندگار رفیق حمید کبیر ، میراث عشق او به کارگران و زحمتکشان ، میراث کینه ی عمیق او به دشمنان خلق و به مزدوران امپریالیسم ، میراث ماندگاری ، استواری و پیگیری او در مبارزه ، مفهوم " فدائی " را بمنزله ی عنصری تاریخی - طبقاتی در صحنه ی مبارزه ی کارگران و زحمتکشان ایران و با آینده ی مبارزات طبقه کارگر ایران پیوندی ناگسستنی دارد .

امروز هستند جریانات و عناصر بسیاری که خود را از تبار فدائیان و از نسل حمید می دانند . هستند افرادی که با تثبیت و توسل به مبارزات چندین و چند ساله ی سازمان می کوشند تا با بهره

و ریشه یابی علل انها گنجینه ی تجربیات سازمان را هر چه بیشتر غنا بخشد و امکانات را برای گسترش سطح مبارزه فراهم آورد . رفیق حمید ادامه ی خط سرخی است که از جنگل های سیاهگل آغاز می شود و از فراز و فرود جاده ی انقلاب بهمن ماه می گذرد و امروز در هیات " کار " اعتصاب و انقلاب را نوید می دهد .

پرچمی که در پنجه های توانای رفیق حمید در اهتزاز بود با سرخی خورش رنگ و جلایی دیگر گرفت . این میراث ماندگار سرانجام به همزمانی همتبار با رفیق حمید رسید : رفیق نظام ، رفیق هادی ، رفیق کاظم ، رفیق محسن و ... انسانهای کمونیست که خون فداییان و

**" هیچ نبردی برای چریک نبرد سرنوشت نیست . چریک می جنگد . بخاطر آنکه دژ توده ها را تسخیر نماید و برای تسخیر این دژ مبارزه ای طولانی . پر حوصله و قدم به قدم لازم است . ضربه زدن به دشمن گامی در این جهت بشمار می رود " اما " طرحی که بود و نبود سازمان چریکی را مشخص می کند و نوعی طرح سرنوشت محسوب شود مردود است " ( رفیق کبیر حمید اشرف )**

روی از حرمت انقلابی و مبارزاتی فدائیان ، حیثیت سایی برای خود دست و پا کنند . اما خصائل این جریانات ، بینش و مشی و محور حرکت سیاسی آنان چنان با نظام تفکر و عملکرد مبارزاتی " عنصر تاریخی - طبقاتی "

خون حمید کبیر را در رگ داشتند و اگر رفیق حمید با رژیم مزدور پهلوی می جنگید ، آنان با رژیم ددمنش و قرون وسطایی جمهوری اسلامی مبارزه کردند و سرانجام برای تحقق آرمانهای طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه خون خود را

**کار کمونیستی ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

**راه سرخ نشریه فعالین داخل کشور سازمان**

[info@kare-online.org](mailto:info@kare-online.org)

**ریگای گهل ارگان کمیته کردستان سازمان**

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org) **پرنه سبیلکه نشریه نوجوانان کمیته کردستان**

و آخرین اطلاعیه ها . مقالات . اخبار و دیگر انتشارات سازمان را در اینترنت از سایتهای زیر دریافت کنید

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

[www.kare-online.org](http://www.kare-online.org)



# زندانی

**خلق قهرمان. کارگران و رفقای**

**مبارز با مشارکت و ارسال**

**گزارشات. نظریات و انتقادات**

**خود ما را در غنی تر ساختن هر**

**چه بیشتر نشریه یاری نمایند.**

**برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان**

**کمونست و یا ارگانهای آن با یکی از**

**آدرسهای زیر تماس بگیرید**

**روابط عمومی**

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

**کمیته کردستان**

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

**کمیته تهران**

[tehran@fedayi.org](mailto:tehran@fedayi.org)

**کمیته کرج**

[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)

**کمیته آذربایجان**

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

**مسئولین پالتاک**

[paltalkroom@fedayi.org](mailto:paltalkroom@fedayi.org)

**کمیته امور پناهندگی**

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

**ریگای گه ل در فیس بوک**

[www.facebook.com/regaygal](http://www.facebook.com/regaygal)

**فدائیان کمونست در فیس بوک**

<http://facebook.com/sitefedayi>

زندانی ای اوج فریاد  
 زندانی ای هر دم در یاد  
 ای که شور و عزم آهنین ات  
 سرداده آواز آخرین ات  
 زندانی ای اوج فریاد  
 زندانی ای هر دم در یاد  
 در نگه همه گان تو همان شیری  
 گرچه زجور شه هان تو به زنجیری  
 خونین پیکار تو فردا از آن تو  
 لاله زخون رخ تو سرخی دارد  
 ژاله زپاکی روی تو می بارد  
 برپا که راه تو فردا از آن تو  
 نقش جان بازی ات همه جای اوین  
 نشانه ای از رزم بیژن گرد و دلیر  
 حماسه ی تاریخ پر زفرآز و نشیب  
 برای ما درسی دیگر دارد نوید پیروزی دربر دارد  
 زندانی ای اوج فریاد زندانی ای هر دم در یاد  
 ای که خلق از استقامت تو می رزمند با خصم و دشمن تو  
 زندانی ای اوج فریاد زندانی ای هر دم در یاد  
 توده ی ما به وجود تو می نازد  
 در ره خلق های ما همه جان بازند  
 از بهر استقلال  
 در راه آزادی  
 در ره آتش و خون چو بستی پیمان  
 دست شکنجه گر تو شده لرزان  
 پیچید در هر کران نام تو جاودان  
 عقاب آزادی آید به پرواز  
 زپهنه ی شهر و ده می دهد این آواز  
 که رزم ما باشد رزم ترگل به آفتاب  
 به راه یاران باید جان نهاد  
 چو خسرو و بهرنگ و پاک نژاد  
 به راه یاران باید جان نهاد  
 چو روشنگ ستار و حیدر خان